

Extraterritorial jurisdiction of competition law in the European Union

Golaleh Abdollah Pour PhD student in International Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: gelale1402gelale1402@gmail.com

Fathollah Rahimi Corresponding author, Assistant Professor of International Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: rahimif_law@yahoo.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Extraterritorial
Jurisdiction,
Competition Law,
European Union,
Extraterritorial Law.

ABSTRACT

Jurisdiction is one of the inherent elements of sovereignty over land. The development of the interests of governments beyond territorial borders has led to the adoption of criteria for the exercise of extraterritorial jurisdiction. Extraterritorial jurisdiction can be defined in three levels: legal, judicial and executive. In terms of legal order, in all lawsuits, the issue of the jurisdiction of a court is considered first, then the issue of legal jurisdiction and finally the issuance of an executive order is raised. The degree of legitimacy of these qualifications will be different according to the historical, philosophical and conceptual approach in general international law. By observing international law texts, one can understand the pros and cons of the legitimacy of extraterritorial jurisdictions. Therefore, even those who are in favor of extraterritorial jurisdiction do not deny the adverse consequences of these jurisdictions. However, it is necessary to provide a solution to the problem of extraterritorial jurisdiction. The purpose of this research is to investigate the extraterritorial validity of competition rights in the European Union. In this research, we will collect information in the way of library study and then analyze them.

Cite this Article: Abdollah Pour,G and Rahimi,F . (2025). Extraterritorial jurisdiction of competition law in the European Union. *International Relations Researches*, 15(1), 343-370. doi: 10.22034/irr.2024.448641.2524



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.448641.2524

صلاحیت فراسرزمینی حقوق رقابت در اتحادیه اروپا

گلاله عبدالله پور دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
رایانامه: gelale1402gelale1402@gmail.com

فتح الله رحیمی نویسنده مسئول، استادیار حقوق بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
رایانامه: rahimif_law@yahoo.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	صلاحیت یکی از عناصر ذاتی حاکمیت بر سرزمین است. توسعه منافع دولت‌ها فراتر از مرزهای سرزمینی منجر به اتخاذ معیارهایی برای اعمال صلاحیت برون مرزی شده است. صلاحیت فراسرزمینی را می‌توان در سه سطح قانونی، قضایی و اجرایی مشخص کرد. از لحاظ ترتب حقوقی در کلیه دعاوی ابتدا موضوع صلاحیت قضایی یک دادگاه مد نظر قرار می‌گیرد سپس موضوع صلاحیت قانونی و در آخر صدور حکم اجرایی مطرح می‌شود. میزان مشروع بودن این صلاحیت‌ها با توجه به رویکرد تاریخی، فلسفی و مفهومی در حقوق بین الملل عمومی دارای تفاوت خواهد بود. با مشاهده متون حقوق بین الملل می‌توان به جوانب مثبت و منفی مشروعیت صلاحیت‌های فراسرزمینی پی برد. بنابراین حتی کسانی که طرفدار صلاحیت فراسرزمینی هستند، پیامدهای نامطلوب این صلاحیت‌ها را انکار نمی‌کنند. با این حال، لازم است راه حلی برای مشکل صلاحیت فراسرزمینی ارائه شود. هدف از انجام این پژوهش بررسی صلاحیت فراسرزمینی حقوق رقابت در اتحادیه اروپا می‌باشد. در این پژوهش به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته و سپس به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازیم.
کلیدواژه‌ها: صلاحیت فراسرزمینی، حقوق رقابت، اتحادیه اروپا، قوانین برون مرزی	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۳۰	

استناد به این مقاله: بداله پور، گلاله و رحیمی، فتح الله. (۱۴۰۴). صلاحیت فراسرزمینی حقوق رقابت در اتحادیه اروپا. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۵(۱)، ۳۴۳-۳۷۰. doi: 10.22034/irr.2024.448641.2524

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





اجرای برون مرزی قوانین و مقررات یکی از دشوارترین و چالش برانگیزترین مسائل مطرح در حقوق بین الملل است، به دلیل اینکه این مسئله، باعث به چالش کشیده شدن حاکمیت دولت‌ها می‌شود. اعمال فراسرزمینی قانون به اقدام دادگاه ملی در اعمال قانون ملی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی خارج از حوزه قضایی و قلمرو کشور دادگاه اشاره دارد. امروزه گسترش روابط های تجاری و بازرگانی سبب این شده که مسائل حقوقی مربوط به رقابت و معاملات تجاری در تجارت جهانی با هم مرتبط هستند. به گونه ای که در صورت تصویب قوانین رقابت، تهدید به نقض این قوانین تنها در قلمرو خود نیست، بلکه ممکن است این حقوق در خارج از مرزها نقض و تضییع شود و رفتارهای ضد رقابتی در خارج از مرزهای کشورها رخ دهد. بنابراین پرسش اصلی که مطرح است، این که اگر از یکی از بازیگران در دولتی دیگر رفتاری ضد رقابتی سر زد، دولتی که دچار ضرر شده است به چه شکل می‌تواند اجرای قوانین رقابت خود را در آن کشور تضمین کند؟ اتحادیه اروپا یکی از نهادهای حقوقی بین المللی است که ویژگی های حقوقی خاص خود را دارد. دیوان دادگستری اتحادیه اروپا در تصمیمات مختلف احکامی با محتوای اعمال فراسرزمینی حقوق رقابت صادر کرده است و بر اساس این تصمیمات، بسیاری از فعالان اقتصادی با جرایم مالی و سایر جرایم قابل اعمال در نقض حقوق رقابت مواجه شده اند. بنظر می‌رسد به دلیل فرایند افزایش قدرت اتحادیه اروپا در سطح بین المللی و نیز ظهور سازمان های بین المللی و یکپارچه شدن اقتصاد جهانی، کشورهای توسعه یافته که از نظر اقتصادی بسیار قدرتمند می‌باشند می‌توانند قوانین و مقررات خود را بسادگی بر کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه تحمیل نمایند و متعاقباً روند اعمال مقررات حقوق رقابت در خارج از مرزهای سرزمینی تسهیل می‌یابد. پژوهش حاضر با استقراء در رویه اتحادیه اروپا و بررسی قواعد حقوقی ناظر به موضوع و تحلیل آنها صورت می‌پذیرد.

۱. مفهوم رقابت

مفهوم رقابت یعنی چشم داشتن و چشم دوختن به یکدیگر می‌آید. در اصطلاح قانون رقابت یا حقوق رقابت تجاری به همین معنا از رقابت نام برده می‌شود، زیرا در فضای بازار، هر فعالی مراقب رقیب تجاری خود است و حرکات و فعالیت های تجاری او را به دقت زیر نظر دارد تا مبادا با از دست دادن



شغل و تجارت خود مغلوب و مجبور به ترک بازار شود. البته، صرف تماشای رقیب و تماشای اعمال او، تمام واقعیت رقابت تجاری را توضیح نمی دهد. (غفاری فارسانی، ۱۳۹۱: ۲۴)

۲. پیدایش و مبانی حقوق رقابت

اواسط دهه ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۳ (سال آغاز رکود طولانی)^۱ را به عنوان عصر طلایی سرمایه‌داری نام گذاری کرده اند. خصوصیت شاخص این سال‌ها، پیدایش شرکت به عنوان پدیده نوین اقتصادی و عامل رشد و توسعه اقتصاد و صنعتی شدن قاره اروپا و قاره آمریکا بود. در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۰، انگلستان با رشد چشمگیر صادرات و افزایش دو برابری کالاهای سرمایه‌ای مواجه شد. در این دوران، صادرات زغال سنگ، آهن و فولاد به سرعت گسترش پیدا کرد و به دلیل گسترش بی‌سابقه راه آهن، تولید آهن چند برابر شد و تحولات صنعت فولاد باعث شد که این ماده مهم در صنعت با کیفیتی بالا و قیمتی بسیار ارزان در مقیاس وسیع عرضه شود، اما صنایع سازنده کالاهای سرمایه‌ای، در نیمه دوم قرن نوزدهم رونق گرفتند. در سال ۱۸۸۱، تعداد افرادی که در کار تولید ماشین‌آلات، کشتی، مواد شیمیایی و دیگر کالاهای عمده سرمایه‌ای بودند، نسبت به ۱۸۵۱، دو برابر شده بود. (رشوند بوکانی، ۱۳۹۶: ۳۵)

با اهمیت‌ترین رویدادهای نیمه دوم قرن نوزدهم، به ویژه یک سوم پایانی این دوره، عبارتند از: توسعه رویای حمل و نقل، تشکیل شرکت‌های خصوصی بزرگ و گسترش اطلاعات. در این دوره خطوط تلفن و تلگرام نیز، بطور همزمان با گسترش راه آهن در آمریکا و انگلستان، به سرعت گسترش یافت. این امر منجر به پیدایش یک بازار واحد و گسترده شد. ظهور این قبیل بازارها، موجب ایجاد انگیزه جهت بهره‌برداری از اقتصاد مقیاس شد که پیدایش نوآوری‌های فنی و ظهور بازارهای سرمایه پیشرفته‌تر و شیوه‌های جدید مدیریتی را در شرکت‌های بزرگ خصوصی در پی داشت. در این بین، نوآوری‌های حقوقی مانند آزادسازی و تبدیل شرکت‌های دولتی به خصوصی نیز سهم عمده‌ای داشت و منجر به مالکیت برخی شرکت‌ها توسط شرکتهای دیگر شد. و در نتیجه قدرت تصمیم‌گیری راجع به سهام شرکت‌ها به مدیران تمام وقت و حرفه‌ای واگذار شد. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۴: ۳۶)

در اواخر قرن نوزدهم در دنیای عظیم شرکت‌های صنعتی، جایی که کالاها به صورت انبوه برای بازارهای ملی یا جهانی تولید می‌شدند، رقابت بر سر قیمت‌ها بود. در واقع آنچنان مخرب شده بود که تقریباً به

^۱ - Long Depression



طور کامل در صنایع بزرگ کنار گذاشته شد. تعدادی از شرکت‌ها مصمم به کسب قدرت انحصاری بودند و بسیاری از شرکت‌های بزرگ به‌طور داوطلبانه مجتمع‌هایی (مانند کارتل‌ها و ائتلاف‌های موقت) تشکیل دادند که در آن‌ها هر کدام تا حدودی مستقل بودند. برخی دیگر مؤسسات مالی مانند تراست یا شرکت مالک، کنترل کننده ایجاد کردند تا با رای شرکت‌های مورد نظر کنترل سهام را داشته باشند. برخی دیگر راه ادغام را انتخاب کردند و یک شرکت واحد و متحد ایجاد کردند. (الیوت، ۱۳۸۶: ۳۶)

۳. اهداف حقوق رقابت تجاری اروپا

۳-۱. خلق و حفظ اتحاد بازار مشترک

معاهده اتحادیه اروپا حاوی مقرراتی است که یک سازمان اقتصادی بین کشورهای عضو ایجاد می‌کند. بنابراین، به منظور اعطای آزادی عملیات تجاری و اقتصادی، تصمیم به آزادی انتقال کالا، خدمات، افراد و سرمایه از یک کشور عضو به کشور عضو دیگر گرفته شده است. اما برای رسیدن به این اهداف (سازمان اقتصادی) اجازه نمی‌دهد واحدهای تجاری خصوصی آنقدر قدرتمند شوند که با کنترل و تسلط بر بازار یک کالا، آزادی عمل نیروهای اقتصادی را در بازار از طریق توطئه و تبانی از بین ببرند. (حشمت‌الله، ۱۳۹۷: ۵۷) بنابراین لازم بود اتحادیه اروپا مقرراتی را در زمینه رقابت و مبارزه با این گونه اقدامات مخرب در بازار وضع کند. با توجه به موضوع فوق، در مقدمه نهمین گزارش کمیسیون اتحادیه اروپا در خصوص سیاست رقابت تجاری، آمده است که اولین و اساسی‌ترین هدف سیاست رقابت باید تلاش برای باز نگه داشتن بازار مشترک و حفظ وحدت باشد. این نقش واحد سیاست رقابت اتحادیه اروپا است که توسط اولین اعضای اتحادیه پیش‌بینی شده بود. (The ninth report on competition, policy, 2018, P.10) به همین دلیل در دعوی *Consten and Gruding V. Commission* دادگاه اتحادیه اروپا بیان داشت: «چنانچه قراردادی بین تولیدکننده و توزیع‌کننده بسته شود که این امکان را به وجود آورد که همچون سابق اختلافات ملی موجود در معاملات را مابین کشورهای عضو ایجاد کند، این احتمال وجود دارد که مهم‌ترین اهداف اساسی جامعه را مضمحل و نابود کند».

۳-۲. حفظ نمودن رقابت مؤثر و عادلانه به جهت بهره‌مند شدن اقتصاد از منابع تجارت آزاد.

در دعوی *Wilhelm V. Bundeskartellart* دادگاه اعلام کرد: اهداف اولیه معاهده اتحادیه اروپا اینست که به وسیله اهرم‌هایی موانع موجود بر سر راه انتقال آزاد کالاها را در داخل بازار مشترک از بین ببرد و



اتحاد بازار را تضمین و حراست نماید، همچنین به مقامات جامعه اروپا این اجازه داده شده که براساس ماده ۲ معاهده بطور غیر مستقیم مبادرت به اقدامات مثبتی نماید تا توسعه همگون در عملیات اقتصادی را در داخل کل جامعه ارتقاء دهد. در رابطه با رقابت عادلانه و عدالت در بازار، کمیسیون لزوم تغییر سیاست رقابت به نفع واحدهای تجاری کوچک و لزوم حفظ منافع کارگران، استفاده کنندگان و مصرف کنندگان، موضوع کمک مالی و یارانه به اعضا را مورد توجه قرار داد.

رقابت در اتحادیه اروپا اهرمی برای دستیابی به اهداف اقتصادی سازمان و استفاده بهتر از منابع جامعه است. بنابراین نمی توان سیاست رقابت تجاری را یک ایدئولوژی و هدف غایی اتحادیه تلقی کرد.

همچنین برخی از اندیشمندان در این زمینه پیشنهاد کرده اند که رقابت در اتحادیه اروپا نباید به عنوان یک معیار اساسی در نظر گرفته شود و باید با معیارهای اساسی اتحادیه محدود شود. بنابراین باید فارغ از این موانع باشد تا بتوان به موارد و نیازهای جدید پاسخ داد. برای مثال در یکی از پیشنهادها آمده است که در بازار واحد اروپائی تشویق بدایع و نوآوری‌ها یک وظیفه مهم سیاست رقابت تجاری اتحادیه اروپا محسوب خواهد شد؛ و نیز دیگر کارآیی‌ها تقویت و رقابت تشدید خواهد گردید. (Frazer tim,

(competition policy after,2019,P.610

۴. صلاحیت قلمرو در حقوق رقابت

بر طبق اصل صلاحیت سرزمینی، هر دولتی حق دارد تا صلاحیت قضایی خود را نسبت به جرایمی که در قلمرو وی صورت گرفته است، اعمال نماید. ممکن است دادگاه‌های داخلی در برخی از موارد، بر اساس صلاحیت فراسرزمینی به اعمال صلاحیت بر اقدامات شرکتهای چندملیتی بپردازند. هنگامی که صلاحیت در خارج از مرزها اعمال شود، به آن به صلاحیت «فراسرزمینی» می گویند.

۴-۱. صلاحیت

به منظور ایجاد صلاحیت یک کشور یا یک سازمان فراملی مانند اتحادیه اروپا (هر یک از این موارد ذکر شده در اینجا "دولت")، اصول مختلفی وجود دارد که در حقوق بین الملل عمومی ایجاد شده است. اساساً می توان از نظر سرزمینی در مقابل یک تفکیک کلی قائل شد. (Zelger, 2020, P.616)



۲-۴. صلاحیت در قانون رقابت اتحادیه اروپا

همانطور که در بالا اشاره شد، اولین آموزه اجرایی در ایالات متحده به منظور ایجاد صلاحیت قضایی و دستیابی به بیگانگان خارج از کشور "که رفتار آنها فراتر از مرزهای کشور مجری اتفاق می افتد، اما دارای یک اثر در داخل آن کشور است" ایجاد شده است. اگرچه بیش از نیم قرن است که در قانون ضد انحصاری ایالات متحده مشهور است، اما اخیراً دیوان عدالت اروپا^۱ اعلام کرده است که دکترین اجراها وسیله مناسبی را برای ایجاد صلاحیت در چارچوب قانون رقابت اتحادیه اروپا نیز فراهم می کند این مرسوم این واقعیت است که دیوان برای مقابله با موضوعاتی که در چارچوب صلاحیت قضایی در موارد خارج از سرزمین وجود دارد، استراتژی ها و مفاهیم دیگری را نیز در گذشته پیگیری و توسعه داده است. (Zelger, 2020, P.618) به عنوان مثال Dyestu، اولین پرونده ای بود که دادگاه مجبور شد در مورد موضوع خارج از سرزمین و اعمال مقررات مربوط به رقابت های پیمان تصمیم بگیرد. مفهوم توسعه یافته در این مورد، اصطلاحاً دکترین واحد اقتصادی واحد است که براساس آن یک شرکت واحد ممکن است شامل دو یا چند شخص حقوقی باشد. پرونده در Dyestu مربوط به یک عمل هماهنگ تولید کنندگان Dyestu برای افزایش قیمت ها در اروپا بود. شرکت انگلیسی درگیر Imperial Chemical Industries Ltd ("ICI") - در آن زمان (و دوباره) - در قلمرو اتحادیه اروپا واقع نشده است. با این حال، این شرکت زیرمجموعه اتحادیه اروپا داشت که محصولات خود را توزیع می کردند و اطمینان حاصل می کردند که این عمل هماهنگ در بازار واحد اجرا می شود. از آنجا که شرکت های تابعه "از تعیین خودکار عملی [در بازار] از خودگردانی واقعی برخوردار نبودند"، رفتار و عملکرد آنها به شرکت اصلی که آنها واحد اقتصادی تشکیل داده اند نسبت داده می شود. (Zelger, 2020, P.618)

بر این اساس، ICI انگلیس و زیرمجموعه های آن به عنوان یک نهاد اقتصادی واحد تلقی می شدند و بنابراین به عنوان تعهدی در معنای مقررات رقابت پیمان واجد شرایط بودند. بنابراین، در دیستو دیوان عدالت اروپا از رای مستقیم در مورد (غیر) وجود عوامل پرهیز کرد. در نتیجه، دکترین واحد اقتصادی واحد وسیله مناسبی برای ایجاد صلاحیت قضایی ارائه نداد. بعلاوه، اگرچه توسط (AG Damon) که اساساً (AG Mayras) را دنبال می کرد و نظر خود را در (Dyestu following s) دنبال می کرد توصیه

¹ European Court of Justice (ECJ)



شده بود، دیوان عدالت اروپا آزمون موثر را اعمال نکرد. در عوض، با توجه به رویه یا کارتل هماهنگ موجود، دیوان عدالت اروپا بین تشکیل و اجرای مورد اخیر تفاوت قائل شد. دادگاه در ادامه اظهار داشت: "در مواردی که قابلیت اعمال ممنوعیت های مقرر در قانون رقابت به محل تشکیل توافق نامه، تصمیم یا عمل هماهنگ بستگی دارد، بدیهی است نتیجه آن خواهد بود که به شرکت ها یک راه آسان برسد. بنابراین، دادگاه اذعان داشت که چنین رویکردی پیش بینی های رقابت را تضعیف می کند و یک راه فرار کامل را برای رفتارهای ضد رقابتی اعمال شده فراهم می کند، اما با این وجود، در سرزمین های خود توافق نشده است. بنابراین، دیوان عدالت اروپا نتیجه گرفت که برای ایجاد صلاحیت قضایی، "[عامل تعیین کننده مکانی است که در آن [توافق نامه، تصمیم یا عمل هماهنگ] اجرا می شود." از این رو اشاره به اجرای یک عمل و نه شکل گیری آن به عنوان دکترین اجرا شناخته می شود. (Zelger, 2020: 619) در تصمیم بعدی در Gencor, GC فراتر از این پیش رفت و مسلماً به دکترین اجرایی که آفریقای جنوبی و یک شرکت انگلیسی از طریق دستیابی به کنترل مشترک یک نهاد آفریقای جنوبی بود که پلاستیک و رودیم را به اتحادیه اروپا صادر می کرد. GC, پس از مراجعه به دکترین پیاده سازی که در Wood Pulp تدوین شده بود، با تشخیص قابل اجرا بودن مقررات ادغام در صورتیکه "یک غلظت پیشنهادی یک تاثیر فوری، اساسی و قابل پیش بینی در اتحادیه اروپا داشته باشد، صریحاً مورد دوم را پیشرفت کرد." اگرچه GC در Gencor صریحاً خود را به یک آزمون واجد شرایط به عنوان یک معیار مستقل برای ایجاد صلاحیت اتحادیه اروپا متعهد نکرد، اما با این حال برخی از اصحاب ادبیات آن را به عنوان تشخیص دکترین موارد تلقی کرده اند. با این حال، اخیراً، بیش از ۲۰ سال بعد، دادگاه صریحاً اعلام کرد که آزمون نتایج صحیح واقعاً وسیله مناسبی را برای صلاحیت اتحادیه اروپا در رابطه با اجرای مقررات قانون رقابت فراهم می کند. (Zelger, 2020:620)

۵. درک و بسط قلمرو در قانون اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا همچنین برای شکل دادن به سازمان، عملکرد و حاکمیت شرکت ها، از جمله شرکت های خارجی که مایل به ارائه خدمات در داخل اتحادیه هستند، از گسترش قلمرو استفاده می کند. این امر در حوزه خدمات مالی بیشتر مشخص است، ولی در جاهای دیگر نیز شاهد آن هستیم. در حوزه تنظیم



مالی، گسترش قلمرو در سطح شرکت ممکن است با اشاره به بخشنامه تنظیم مدیران صندوق سرمایه- گذاری جایگزین، که تعهدات گسترده ای را به مدیران صندوق غیر اتحادیه اروپا اعمال می کند صورت پذیرد (از جمله در رابطه با سرمایه و نقدینگی، پاداش، اختلافات منافع، مدیریت ریسک و موارد مشابه). خارج از حوزه تنظیم مقررات مالی، مقررات اتحادیه اروپا در خصوص جوامع طبقاتی دریایی مثال خوبی را ارائه می دهد، به این ترتیب شرکت های مورد نظر ملزم به رعایت تعهدات گسترده حاکمیت هستند. (Scott, 2014:107) قانون گسترش قلمرو نیز به طور مستمر در تلاش برای تصویب قوانین کشور های ثالث به کار گرفته می شود. اتحادیه اروپا نقش یک کاتالیزور برای هنجار را بازی می کند، در این حالت اتحادیه برای تغییر در مبانی نظارت بر کشورهای ثالث، هزینه ها و مزایای اقدام برای حل مشکل را ارزیابی می کند. اقدامات اتحادیه اروپا ممکن است در جهت ارتقا هنجارهای کشور ثالث برای نظارت بر انطباق با هنجارها تأکید کند.

همچنین اتحادیه از قانون گسترش قلمرو استفاده می کند تا هم باعث ایجاد پیمان های بین المللی (دو یا چند جانبه) شود و هم کشورها را تشویق به امضا و انطباق با موازین بین المللی موجود کند. این امر در قوانین اتحادیه اروپا بسیار گسترده است و ویژگی اصلی بسیاری از مثالهای ذکر شده در بالا همین می باشد. حتی در مواردی که این هدف مندرج در قانون اتحادیه اروپا نباشد، اقدامات اتحادیه اروپا می تواند بر تحول قوانین بین المللی تأثیر بگذارد. (Scott, 2014:108) بعضاً اتحادیه اروپا از قانون گسترش قلمرو به عنوان ابزاری برای بهبود دسترسی شرکت های اتحادیه اروپا به بازار کشورهای ثالث استفاده می کند. اگر چه این امر از مثالهای ذکر شده در بالا کمتر نتیجه می شود، ولی در مقررات خدمات مالی بسیار گسترده و در جاهای دیگر نیز مشهود است. به عنوان مثال، دسترسی به بازار اتحادیه اروپا برای شرکت های کشور ثالث که مایل به ارائه خدمات به کسانی هستند که قراردادهای مشتق شده را منعقد می کنند، منوط به این است که کشور مبدأ آن شرکت یک سیستم معادل مؤثر برای شناخت شرکت های خارجی که مایل به ارائه خدمات متناظر در آنجا هستند، ارائه دهد. ما شواهد بیشتری از استفاده از گسترش قلمرو را برای جایزه گشایش بازارهای کشور های ثالث در پیشنهاد کمیسیون فعلی مربوط به خریدهای عمومی مشاهده می کنیم. در صورت تصویب، این آیین نامه به اتحادیه اروپا اجازه می دهد دسترسی به بازارهای خرید برای کالاها و خدماتی را که از کشور ثالثی منعقد شده و در خریدهای



عمومی فعالیت محدود دارند محدود شود. این امر منجر به عدم توافق متقابل اساسی در گشودن بازار بین کشور ثالث و اتحادیه اروپا می‌شود. این پیشنهاد همچنین به دنبال ارتقای وفاداری به قوانین بین المللی است، از این رو که تنظیم‌گر اتحادیه اروپا میزان تعهدات بین المللی کشور ثالث را در زمینه خریدهای عمومی در تعیین اینکه آیا اقدامات محدود کننده باید اعمال یا حفظ شود، در نظر می‌گیرد. در حالی که در اکثر قریب به اتفاق موارد، قانون گسترش قلمرو برای شرطی کردن دسترسی کالاهای وارداتی یا خدمات به بازار اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما گاهی اوقات در مورد صادرات از بازار اتحادیه اروپا نیز به کار می‌رود. این روش در رابطه با اقدامات اتحادیه اروپا در زمینه صادرات انواع مواد زائد، از جمله زباله های الکتریکی و الکترونیکی، نمود بیشتری دارد. اقدامات کنترل کننده صادرات زباله به منظور (۱) جلوگیری از تباری مشارکت‌های اتحادیه اروپا در فعالیت‌هایی انجام می‌شود که خطراتی برای محیط زیست یا سلامتی انسان دارند، (۲) برای تشویق توسعه امکانات و / یا قوانین بهتر دفع کشور ثالث، و (۳) جلوگیری از فرار از تعهدات اعمال شده از سوی قانون اتحادیه اروپا در خصوص صادرات مواد زائد به مقاصد خارج از کشور با مقررات کمتر یا با قیمت ارزان‌تر، انجام می‌شود. (Zelger, 2020: 621) برخی اقدامات که منجر به گسترش قلمرو می‌شود، مانع از آن است که شرکت‌هایی که به بازار اتحادیه اروپا دسترسی دارند از الزامات تحمیل شده توسط قانون اتحادیه اروپا در سطح یک معامله فردی، به عنوان مثال در مورد حمل و نقل فردی کالا یا پرواز شخصی، برخوردار شوند. در مقابل، از آنجا که اقدامات اتحادیه اروپا با گسترش قلمرو حوزه وسیع تری از مداخلات نظارتی را ایجاد می‌کند، انطباق با قوانین اتحادیه اروپا تنها با مشاهده بسته ای از معاملات، در اداره یا سازمان یک شرکت یا ظرفیت و قوانین نظارتی کشور ثالث قابل ارزیابی است. اقدامات دیگر تعدادی از مسیرهای مشخص را برای دستیابی به انطباق با قوانین اتحادیه اروپا مشخص می‌کند، که اجازه می‌دهد انطباق یا در سطح معاملات فردی یا در سطح بالاتر مربوط به خصوص به یک کشور ثالث یا یک شرکت انجام شود. در این وضعیت، قوانین اتحادیه اروپا به طور مکرر انگیزه‌هایی ایجاد می‌کند تا در سطح بالاتری حاصل شود، چه در رابطه با یک شرکت، چه کشور ثالث و چه در سرتاسر جهان. قانون اتحادیه اروپا مزایای اضافی بیش از «صرف» دسترسی به بازار اتحادیه اروپا را به همراه دارد، یا در صورت دستیابی به سطح بالاتر یا سیستماتیک تر معایب کمتری را تحمیل می‌کند. (Wallt, 2014:109)



۶. گسترش قلمرو در حقوق اتحادیه اروپا

با وجود اینکه اتحادیه اروپا به ندرت درگیر سرزمین فراتر از سرزمین می‌شود و گرچه اعتماد اتحادیه اروپا به تأثیرات گسترده نیست، اما اقدام گسترش سرزمین فراگیر است. گسترش قلمرو در قانون اتحادیه اروپا با گرایش بین المللی قوی آغشته شده که برخی از عناصر آن در زیر برجسته شده است. در حالی که اتحادیه اروپا بعضی اوقات در قوانین ایالات متحده از برون مرزی و حتی گسترش سرزمینی انتقاد کرده، اما تمرکز واقعی نگرانی های آن، عدم وجود جهت گیری بین المللی قابل مقایسه در قوانین مربوطه ایالات متحده بوده است. (Zelger, 2014:114)

جهت گیری بین المللی ذاتی، ترجیح اتحادیه اروپا برای گسترش قلمرو است. این ترجیح منعکس کننده عقاید قالب تکرار شده در اتحادیه است که صلاحیت قانونی باید به روشی منطبق با حقوق بین الملل عمومی انجام شود و اعتقاد آن بر این است که گسترش قلمرو با این استاندارد مطابقت دارد. در حالی که اتحادیه اروپا گاهی صلاحیت خارج از قلمرو را اعمال می کند، این کار را با موارد استثنایی بسیار اندکی و فقط زمانی که یک جایگزین واضح و شناخته شده در سطح بین المللی برای قلمرو زمینه صلاحیت را فراهم کند انجام می دهد. هر چند اتحادیه می پذیرد که چهار مبنای جایگزین وجود دارد، اما در عمل قلمروی فراتر از مرزها در قوانین اتحادیه اروپا تقریباً بر پایه ملیت استوار است. با توجه به این مطلب، اتحادیه اروپا از اتکای مکرر به صلاحیت مبتنی بر اثرات منصرف می شود، زیرا معتقد است که چنین صلاحیتی به عنوان ماده حقوق بین الملل همچنان مورد مناقشه می باشد. (Scott, 2014: 114)

در حالی که سازگاری گسترش قلمرو با اصل قلمرو در حقوق بین الملل به طور قطعی اعلام نشده، روشن است که دادگاه اروپا تمدید قلمرو را مطابق با حقوق بین الملل مرسوم می داند. مهمتر از همه، به نظر می رسد هیئت استیناف سازمان تجارت جهانی موافقت می کند. این قانون می پذیرد که اقداماتی که ورود آنها را به محتوای قانون یا سیاست کشور ثالث منوط می کنند، به شرط تحقق برخی شرایط می توانند با سازمان تجارت جهانی سازگار باشند. اگر چه در مورد نگرش هیئت تجدیدنظر نسبت به گسترش سرزمینی سطح کشور ابهاماتی وجود دارد، اما به نظر می رسد که حتی این مورد نیز می تواند قانونی باشد به شرط آنکه این اقدام به تصویب «اساساً همان برنامه نظارتی» توسط کشور سوم نیازی نداشته باشد. اقدام مورد نظر باید زمینه را برای بررسی مناسب بودن برنامه نظارتی با توجه به شرایط



حاکم در کشور ثالث مربوط فراهم کند. بنابراین، با توجه به تعهد به اطمینان از انعطاف پذیری کافی اقداماتی که یک حوزه مداخله نظارتی را در سراسر کشور ایجاد می کند، حتی گسترش سرزمینی از این نوع ممکن است توسط سازمان تجارت جهانی مجاز باشد. (Beyman, 2014: 115)

جهت گیری بین المللی نیز در رویه توسعه اتحادیه اروپا در اتحادیه منعکس می شود به این دلیل که جهت اجرای استانداردهای بین المللی و/یا کمک به دستیابی به اهداف مورد توافق بین المللی جهت گیری شده است. در رابطه با ۱۰ مثالی که در بالا ذکر شد، ۸ مورد می توانند یک جانبه تلقی شوند زیرا خلأهای موجود در استانداردهای بین المللی موجود را پر می کنند یا فراتر از آن می روند. با این حال، از بین هشت اقدامی که از این نظر یک طرفه هستند، هر یک به یک مشکل جهانی یا فرامرزی می پردازند که در رابطه با آن توافق بین المللی درباره اهمیت هدف اساسی حاصل شده است.

جهت گیری بین المللی ذاتی عملکرد اتحادیه اروپا برای گسترش قلمرو بیشتر در طراحی اسناد قانونی مربوطه منعکس می شود. در مواردی که اقدامات مربوط به اتحادیه اروپا مستقیماً مبتنی بر استانداردهای موجود بین المللی نباشند، تمایل دارند با کیفیتی مشروط شناخته شوند که آنها را به تحولات بین المللی و شرایط متنوع و متغیر در جاهای دیگر پاسخ دهد. این پاسخگویی در درجه بالایی از شرایط و انعطاف پذیری منعکس می شود که مشخصه اقدامات از این نوع است. (Scott, 2014:93)

۶-۱. برون مرزی بودن

برای تبعه خودی اتحادیه اروپا اعمال قانون قضایی در خصوص رفتاری که خارج از قلمرو این اتحادیه رخ می دهد تقریباً متداول است، ولی اعمال همان قانون در مورد رفتار اتباع غیر عضو برای اتحادیه اروپا تقریباً تعریف نشده می باشد؛ مگر در مواردی که افراد مذکور ساکن یا مستقر در قلمرو اتحادیه اروپا فرض شوند. به طور خلاصه، به استثنای حوزه قضایی مبتنی بر ملیت، سایر موارد برون مرزی بسیار نادر هستند. در حوزه تنظیم خدمات مالی، ما شاهد ظهور یک بند کاملاً جدید و آزمایش نشده (برای اتحادیه اروپا) برای پیشگیری از فرار مالیاتی برون مرزی هستیم. به عنوان مثال، آیین نامه جدید بر قراردادهای منعقد شده بین دو نهاد مستقر در یک یا چند کشور (غیر عضو اتحادیه اروپا) اعمال می شود، جایی که اعمال تعهدات برای جلوگیری از فرار از مقررات ضروری به نظر می رسد. (Schutze, 2012) ذکر این نکته قابل توجه است که اتحادیه اروپا اصل تحریم های جدید برون مرزی آمریکا علیه ایران را محکوم



نکرده، بلکه در برابر اتخاذ اقدامات برون مرزی مبتنی بر غیر ملیت حتی در زمینه سیاست مشترک خارجی و امنیتی مقاومت کرده است. سازوکار تحریم‌های ایران فقط در خاک اتحادیه اروپا و همچنین در خصوص اشخاص حقیقی و حقوقی که از تابعیت یک کشور عضو اتحادیه اروپا برخوردار هستند اعمال می‌شود. (Schutze, 2012)

۶-۲. صلاحیت مبتنی بر آثار

با اتکای قوی به حوزه قضایی مبتنی بر اثرات، اتحادیه اروپا نسبت به پذیرش قلمروی برون مرزی کراهت دارد. این تأثیرات اخیراً به طور آزمایشی در مقررات خدمات مالی اتحادیه اروپا سر و سامان داده شده است. مقررات تبصره‌ای اتحادیه اروپا تعهداتی را به آن دسته از طرفین قراردادهایی (منعده بین دو نهاد در کشورهای ثالث) اعمال می‌کند که آن قرارداد اثر مستقیم، قابل توجه و قابل پیش بینی در اتحادیه اروپا داشته باشد. با این وجود سابقه ندارد که اتحادیه اروپا صلاحیت قضایی خود را منحصرأ از طریق یافتن اثرات محسوس در قلمرو اتحادیه پیدا کند. (Scott, 2014:94)

حتی در حوزه کنترل تلفیق، تلفیق‌گر به فاکتور «بعد جامعه» که چیزی بیش از یافتن اثرات اقدام است نیاز دارد. آیین‌نامه تلفیق، صلاحیت اتحادیه اروپا را در مورد تلفیق را منوط به این می‌کند که تعهدات مورد نظر بیش از آستانه گردش مالی در سراسر جهان و اتحادیه اروپا باشند. آستانه گردش مالی اتحادیه اروپا تنها زمانی محقق می‌شود که شرکت‌ها حد نصاب معینی از کالا را بفروشند یا خدمات لازم را در داخل اتحادیه اروپا ارائه دهند. استفاده از مقررات تلفیق اتحادیه اروپا تنها با کنش خود اتحادیه آغاز می‌شود، حتی اگر زمانی فروش حد نصابی در اتحادیه اروپا رخ دهد، «معاملات خارجی با خارجی» (تلفیق‌گران) را که در خارج از کشور انجام می‌شود ارزیابی می‌کند. بنابراین، دادگاه عمومی در نظر می‌گیرد که استفاده از مقررات تلفیق اتحادیه اروپا می‌تواند به عنوان یک ماده از حقوق بین‌الملل عمومی قابل توجیه باشد، زیرا پیش بینی می‌شود که تراکم پیشنهادی تأثیر فوری و قابل توجهی در اتحادیه اروپا داشته باشد، برای آستانه صلاحیت قضایی تعیین شده در بخش مقررات تلفیق (که باید رعایت شود)، حجم مشخصی از فروش در اتحادیه اروپا مورد نیاز است. به طور کلی در قانون رقابت، خارج از حوزه کنترل تلفیق، دیوان دادگستری اروپا یک برنامه اجرایی آزمایشی را مصوب کرده که اتحادیه اروپا را قادر می‌سازد زمانی که یک توافق، تصمیم‌گیری یا رویه‌ای دارای مضامین ضد رقابت در محدوده باشد ورود



کرده و اعمال قانون قضایی نماید. در پرونده معروف Woodpulp I مشخص شد اعلامیه‌های قیمت سه ماهه بر اساس محصولات فروخته شده در اتحادیه اروپا بوده است. دیوان عدالت اروپا هنوز مشخص نکرده که نه تنها در صورت عدم وجود شواهد روشنی از سوی اتحادیه، بلکه صرفاً شواهدی از تأثیرات (مستقیم، قابل توجه و قابل پیش بینی)، چه موضعی را اتخاذ خواهد کرد. اولویت دیوان عدالت اروپا برای اجرا نسبت به اثرات مطابق با عملکرد گسترده اتحادیه برای گسترش محدوده خود است که در زیر آورده شده است. (Scott, 2014:95)

۳-۶. گسترش سرزمینی

این بخش ۱۰ مثال از گسترش قلمرو در قوانین اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد که در پنج حوزه خط مشی اعمال می‌شود: تغییرات آب و هوا، محیط زیست، حمل و نقل دریایی، حمل و نقل هوایی و مقررات خدمات مالی. در حالی که هر یک از این حوزه‌های تنظیم در پس زمینه وابستگی شدید بین دولت‌ها عمل می‌کنند، از نظر درجه و نوع همکاری بین المللی که حاصل شده، تغییرات قابل توجهی وجود دارد. (Scott, 2014: 96)

۷. انواع صلاحیت فراسرزمینی در قوانین و مقررات بین‌المللی سرمایه‌گذاری

صلاحیت فراسرزمینی را می‌توان در سه سطح مطرح می‌شود: صلاحیت فراسرزمینی قضایی^۱، صلاحیت فراسرزمینی قانونی^۲ و صلاحیت فراسرزمینی اجرایی^۳. از لحاظ ترتب حقوقی در کلیه دعاوی ابتدا موضوع صلاحیت قضایی یک دادگاه مد نظر قرار می‌گیرد سپس موضوع صلاحیت قانونی و سوم و در صورت صدور حکم، صلاحیت اجرایی مطرح می‌شود. دعاوی مربوط به سرمایه‌گذاری بین‌المللی نیز از این منطق خارج نیست با این تفاوت که در عرصه حقوق بین‌الملل ممکن است صرف قانونگذاری یا عدم قانونگذاری (و صرف نظر از اینکه آن قانون با احراز صلاحیت قضایی اعمال بشود یا نشود) می‌تواند منشأ ایجاد مسئولیت بین‌المللی برای کشورها و تأثیرگذار در روابط بین‌المللی آنها شود. بعلاوه منشأ احراز صلاحیت قضایی نیز قوانین ماهوی هر کشور است که پیش از احراز صلاحیت قضایی نیاز به ارزیابی دارند. با این حال در این رساله با رعایت روند عملی حقوقی به ترتیب به صلاحیت فراسرزمینی

¹ -Prescriptive extraterritorial jurisdiction

² -Descriptive extraterritorial jurisdiction

³ -Executive extraterritorial jurisdiction



قضایی، صلاحیت فراسرزمینی قانونی و صلاحیت فراسرزمینی اجرایی پرداخته خواهد شد. (داراب پور،

۱۳۹۷: ۴۰)

۷-۱. صلاحیت فراسرزمینی قضایی

در بعضی موارد که صلاحیت فراسرزمینی موضوعیت خاصی دارد یک دادگاه صلاحیت خود را در دعوی سرمایه گذاری فراتر از قواعد صلاحیت سرزمینی میناقرا می دهد. حقوق بین الملل عرفی اگرچه صلاحیت های عینی سرزمینی^۱، ذهنی سرزمینی^۲، شخصی فعال^۳، شخصی منفعل^۴، واقعی^۵ و جهانی^۶ را با اعمال شروطی پذیرفته است، اما گاهاً دیده می شود که دادگاه های ملی و بین المللی با توسعه مفهومی و شفاهی این صلاحیت ها، حقوق بین الملل را دچار چالش نموده اند. به عنوان مثال، احراز صلاحیت مبتنی بر دکتترین اثر یا دکتترین خرق حجاب یکی از مطالبی است که در قواعد حقوق بین الملل کلاسیک به سادگی قابل بیان نمی باشد. ثوری های متعددی درباره اعمال صلاحیت قضایی بر شرکت های چند ملیتی ارائه و اجرا شده است، اما دستیابی به مجموعه ای از اصول حاکم بر صلاحیت بر سرمایه گذاری بین المللی مستلزم بررسی عمیق علمی است. (Catá Backer, 2014: 499)

اگرچه در ظاهر، اصالت مربوط به صلاحیت سرزمینی است، اما اعمال شدن این صلاحیت در بعضی حوزه های سرمایه گذاری مغایر با اصل انصاف و یا مغایر با اهداف غایی حقوق بین الملل سرمایه گذاری می باشد. به طور نمونه، صلاحیت سرزمینی شرکت های فراملی به طور اخص ورشکستگی مورد نقد قرار گرفته است، به دلیل اینکه هزینه های رسیدگی به ورشکستگی این شرکت ها و شرکت های زیرمجموعه آنها به طور موازی در چندین کشور (محلی که دارایی شرکت در آن قرار دارد) و همچنین سازماندهی مجدد آن شرکت ها سخت و مشکل و چند برابر می شود. همچنین باعث تعارض قوانین و رفتار نابرابر بین طلبکاران در کشورهای مختلف می شود. (Catá Backer, 2014: 499) این مشکلات و چالش ها در کنار این موضوع که طلبکاران از نظر صلاحیت سرزمینی قدرت پیش بینی

¹ -Objective territorial jurisdiction

² -Subjective territorial jurisdiction

³ -Nationality jurisdiction

⁴ -passive personality jurisdiction

⁵ -Protective jurisdiction

⁶ -Universal jurisdiction



کمتری دارند، باعث شد بسیاری از قوانین به نظریه «صلاحیت جهانی تعدیل شده» روی بیاورند. به عنوان مثال، قاضی هافمن در یک پرونده مربوط به ورشکستگی یک شرکت بیمه استرالیایی اظهار داشت: «به نظر می‌رسد که قاعده برتر حقوق بین‌الملل خصوصی قابل اجرا در این مورد، صلاحیت جهانی [تعدیل شده] است که مانند رشته طلایی در میان ورشکستگی است.»

در غیر این صورت اعمال صلاحیت سرزمینی در رابطه با اموال در تشخیص دادگاه صالح منجر به پیدایش «نظریه توقیف» می‌شود که بر اساس آن هر کشور تمایل دارد اموال را در قلمرو خود تحت صلاحیت خود قرار دهد. این تمایل باعث تضاد شدید حقوق و غیرقابل پیش بینی بودن قوانین سرمایه گذاری بین المللی خواهد شد. دکترین اثر و خرق حجاب، اگرچه به نظر می‌رسد که برگرفته از تفسیر گسترده صلاحیت حقیقی و صلاحیت شخصی در حقوق بین‌الملل اقتصادی است، ولی باید توجه داشت که این معیارها برای تعیین صلاحیت، معیارهایی هستند که بر اساس آخرین تحولات حقوق بین‌الملل اقتصادی، هنوز ابعاد ناشناخته زیادی دارند. (Catá Backer, 2014:499) قابل توجه است که بسیاری از این ضوابط برای تعیین صلاحیت، گاه مبنای اعمال صلاحیت قانونی قرار می‌گیرد، بنابراین این دو موضوع را نباید با هم مخلوط کرد.

اگرچه مسئله صلاحیت در سطح قانونگذاری و اجرایی در قالب حقوق بین‌الملل عمومی قابل ارزشیابی است، اما صلاحیت در حوزه قضایی موضوعی مرتبط با حقوق بین‌الملل خصوصی است و تحت عنوان «تعارض قوانین» قابل بحث و بررسی است. در صورتی که حقوق بین‌الملل زمانی با یک موضوع مرتبط است که با موضع کشورها در مورد یک موضوع مواجه شود، بنابراین صلاحیت فراسرزمینی با حقوق بین‌الملل عمومی در هر سه سطح صلاحیت سروکار دارد. (Jennifer a, 2010:13)

۷-۲. صلاحیت فرا سرزمینی قانونی

صلاحیت فراسرزمینی حقوقی در دو سطح مطرح می‌شود: اولی مرتبط با ظرفیت‌های بالقوه یک قانون برای تأثیرگذاری بر فعالیت‌های خارج از قلمرو کشور قانون‌گذار است و دومی مرتبط با انتخاب قانون به‌عنوان قانون حاکم بر دعوی توسط یک دادگاه است. دادگاهی که در مرحله صدور حکم، با کارهای فراسرزمینی همراه است، صرف نظر از اینکه دادگاه خود را بر اساس صلاحیت سرزمینی یا فراسرزمینی صالح دانسته باشد. از آنجایی که تفسیر نهایی یک قانون بر عهده دادگاه صالح است، اتهام فراسرزمینی



بودن یک قانون قبل از اعمال آن در دادگاه، یک نظریه احتمالی خواهد بود. به عبارتی، هر چند مجلس قانونگذاری و بازوهای اجرایی ذیصلاح، برای تعیین محدوده قانونگذاری خود، منافع ملی را در نظر می‌گیرند، اما برای تحکیم مبانی نظری خود، از تفاسیر قضایی دادگاه‌های ملی و بین‌المللی استفاده می‌کنند. اما تفسیر این قوانین در تحلیل نهایی در دادگاه‌هایی صورت می‌گیرد که دارای ویژگی‌های قضایی هستند و این دادگاه است که بیان می‌کند آیا یک قانون دارای ویژگی‌های فراسرزمینی است یا خیر. (John., 2010: 372) بنابراین برای درک صحیح فراسرزمینی بودن قوانین، مراجعه به تصمیمات قضایی و داوری ملی و بین‌المللی ضروری است. مسئله صلاحیت حقوقی فراسرزمینی در حقوق بین‌الملل اساساً مربوط به صدور قوانین داخلی است و نه ورود قوانین خارجی، زیرا دادگاه‌های داخلی هر کشور در انتخاب قانون بر اساس قوانین حل تعارض داخلی عمل می‌کنند. اما در صدور قوانین داخلی فراتر از مرزها، این قوانین بین‌المللی است که حدود آن را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، دامنه این پژوهش، گسترش قوانین ملی فراتر از مرزها است و نه اعمال قوانین خارجی در دادگاه‌های ملی. در حالی که وضع قوانین خارجی جز با موافقت کشور متبوع دادگاه ملی امکان‌پذیر نیست، قوانین ملی بدون جلب رضایت کشورهای متأثر صادر می‌شود. (Joseph, 1979: 576)

۳-۷. صلاحیت فراسرزمینی اجرایی

تخطی از قانون توسط سرمایه‌گذاران بین‌المللی موجب مسئولیت کیفری و غیر کیفری آنها می‌شود. پس از صدور حکم، آنچه مهم است اجرای آن حکم است. اجرای حکم موضوعی است که ارتباط تنگاتنگی با اعمال حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها دارد. اگرچه در تاریخ روابط بین‌الملل مواردی مشاهده شده است که کشورها با توسل به زور در قلمرو کشوری دیگر قوانین و احکام قضایی خود را به صورت یک جانبه اجرا کرده‌اند، اما این روش هرگز در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشد. صلاحیت اجرایی فراسرزمینی به ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی دارای پیچیدگی خاصی می‌باشد. این صلاحیت زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که با اجرای احکام قضایی صادر شده از سوی دادگاه‌های داخلی و خارجی مواجه می‌شویم که یا قانون حاکم بر دعوا ماهیت فراسرزمینی داشته و یا صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به اختلاف بر اساس معیارهای فراسرزمینی بوده است. حالت دیگری از صلاحیت اجرایی فراسرزمینی اقدامی است که به مصادره فراسرزمینی معروف است. در این صورت، کشوری اموال



شرکت تابعه اصلی و شرکت های تابعه آن در سایر کشورها را مصادره می کند، مانند موردی که در مورد ورشکستگی یک شرکت چند ملیتی روسی اتفاق افتاد که منجر به مصادره اموال این شرکت در آمریکا شد. (Edwin, 1942: 275)

۸. شرایط اعمال صلاحیت فراسرزمینی حقوق رقابت اتحادیه اروپا

در اصول و مبانی مقررات رقابت در اتحادیه اروپایی محدودی از صلاحیتها برای دولت های عضو نیز شناسایی شده است. البته این صلاحیت تا حدی است که در تعارض با اصول مندرج در ماده های (۱۰۱) تا (۱۰۹) معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی و مقرره ی ۱/۲۰۰۳ نباشد. همچنین از طرف دیگر اتحادیه اروپایی در بعضی موارد دارای صلاحیت انحصاری است. این بدان معنا است که اتحادیه و ارکان و نهادهای آن در برخی موارد مستقیماً دارای صلاحیت و اختیار برای اقدام حقوقی هستند. در معاهده اتحادیه اروپایی نیز این شخصیت مستقل از اعضا مورد شناسایی قرار گرفته است. نکته ی حائز اهمیت دیگر را باید در بخش هفتم معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی و به ویژه ماده ۳۳۵ جستجو کرد. (Edwin, 1942: 275) در این ماده به اهلیت حقوقی اتحادیه اروپایی برای انجام اموری که نیازمند شخصیت و اهلیت مستقل حقوقی مانند اقامه دعوتی، خرید و فروش املاک و اموال و... اشاره شده است. دو ماده ی مذکور و تفاسیری که از آنها صورت گرفته و مورد پذیرش دولت های عضو و نیز دولت های ثالث قرار گرفته است موبد این مسئله است که مقررات رقابت در اتحادیه اروپایی و اعمال و اجرا و نظارت بر آنها توسط کمیسیون صورت می گیرد و همچنین اعمال آن در عرصه ی بین المللی که ناشی از اهلیت حقوقی اتحادیه برای فعالیت در عرصه ی بین المللی و اینکه این اهلیت از شخصیت حقوقی مستقل اتحادیه از اعضای آن نشات می گیرد، مورد پذیرش قرار گرفته است و در آن شکی نیست. (United Nations, Icj Reports, 2016: 174)

۹. شرایط اعمال فراسرزمینی حقوق رقابت در اتحادیه اروپا

قرار گرفتن شرکتها، دولتها و فعالان اقتصادی در مقابل اتحادیه با نمایندگی کمیسیون برای اتحادیه، در محاکم حقوقی نیز شهادی بر این مدعا است. در ترسیم نمایی واضح تر از این صلاحیت و شخصیت حقوقی برای اعمال قوانین و فعالیت در حوزه های بین المللی توضیحات ذیل می تواند یاری رسان باشد:



جدای از جنبه‌ی داخلی این شخصیت مستقل حقوقی، وقتی صحبت از اعمال فرا سرزمینی یا فرا مرزی به میان می‌آید، در مورد اتحادیه‌ی اروپایی باید شخصیت بین‌المللی آن نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در سال ۱۹۴۹ دیوان بین‌المللی دادگستری بر این مساله که سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند موضوع حقوق بین‌الملل قرار گیرند تاکید کرد. (United Nations, Icj Reports, 2016: 174)

در اساسنامه‌ی سازمان تجارت جهانی نیز این مساله که اتحادیه‌های مستقل گمرکی که در روابط بازرگانی خارجی خود دارای استقلال و دارای صلاحیت انعقاد موافقت نامه هستند می‌توانند به عنوان یک شخصیت حقوقی مستقل از اعضا به عضویت این سازمان در آیند. اتحادیه‌ی اروپایی هم در روابط بازرگانی خارجی خود دارای استقلال نسبی است و هم دارای صلاحیت انعقاد موافقت نامه با کشورهای ثالث و سازمان‌های بین‌المللی است.

شخصیت مستقل از اعضا در اتحادیه‌ی اروپایی امروز مورد پذیرش کشورهای ثالث و سازمان‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته است. در خود اتحادیه نیز دیوان اروپایی دادگستری استقلال اتحادیه را مورد پذیرش و شناسایی قرار داده است. همچنین این دیوان در یکی از آرای خود اعلام کرد در مواردی که جامعه‌ی اروپایی دارای صلاحیت داخلی در مورد یک موضوع است، خود به خود دارای صلاحیت بین‌المللی نسبت به همان مساله نیز هست. (Weatherill, 2016: 25)

با این اوصاف بدیهی است که اتحادیه می‌تواند به عنوان یک شخصیت مستقل حقوقی در سطح بین‌المللی اقدام به اعمال قانون نماید. ولی باید در نظر داشت، قوانینی که در داخل اتحادیه، توسط اتحادیه تدوین شده اند به خودی خود دارای قدرت اعمال در خارج از مرزهای اتحادیه را ندارند یا اصلاً چنین قلمرویی برای آنها شناسایی شده است یا خیر. تا کشوری که بیشترین ارتباط را با پرونده دارد مجازات کیفری را برای مجرمان در سطح کشور در نظر بگیرد. اتحادیه اروپا از طریق کمیسیون تنها اختیار جریمه متخلفان را دارد، یا از طریق ارائه نظرات به شورا یا بنا به پیشنهاد نماینده عالی اتحادیه برای سیاست خارجی و امنیتی مشترک، حق اعمال تحریم‌های اقتصادی را دارد. و اموال شرکت یا کشور مقصر در اتحادیه را مسدود کند.

محتمل است که مجازات زمانی اعمال می‌شود که فرد خاطی از پرداخت جریمه خودداری کند. از آنجایی که این تحریم‌ها مشکلات زیادی را در مسیر تجارت با اتحادیه ایجاد می‌کند، ضررها و



مشکلات زیادی را برای طرف های ثالث اتحادیه به همراه دارد. اگر اتحادیه بتواند حداقل تحریم و تنبیه افراد را در دستور کار خود قرار دهد، می تواند گام بزرگی در جهت تضمین اجرای آیین نامه و مقررات رقابت بردارد. (Weatherill, 2016: 25)

۱۰. جایگاه دادگاه های ملی در اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت

مقررات رقابت در اتحادیه اروپا دارای ویژگی خاص و ازام آور هستند، به این معنا که افراد می توانند به دلیل تضییع حقوق صنفی یا تضییع حقوق خود از طریق دادگاه های کشوری شکایت کنند. (کدخدایی، ۱۳۹۵: ۱۰۲) این دکترین بارها توسط دیوان تأیید شده است. بنابراین، دادگاه های ملی حق رسیدگی به تخلف از مقررات رقابت را دارند، اگرچه تصمیمات این دادگاه های ملی جنبه اعلامی دارد و نه تأسیسی (Frenz, 2016: 620)، زیرا صلاحیت آراء در مورد قوانین اتحادیه فقط در دست دیوان دادگستری اتحادیه اروپا است (Schutze, 2012: 153)، اما اگر رفتار ضدرقابتی از جانب کشورهای ثالث روی دهد، هنگامی صلاحیت قانون اتحادیه اعمال می شود که بر تجارت بین اعضا تأثیر بگذارد.

از آنجایی که دادگاه های ملی صلاحیت صدور احکام مربوط به ماهیت تاسیس را ندارند، اگر شرکت یا شخص متضرر در دادگاه ملی اقامه دعوی کند و مدعی تأثیر تجارت بر رقابت با سایر اعضا باشد، دادگاه ملی می بایست پرونده را به دیوان عدالت بفرستد تا دادگاه نظر خود را درباره موضوع و صدور حکم بدوی اعلام کند. (Lorenz, 2013: 52) اصولاً هرگونه حکم در مورد میزان خسارت، جزای نقدی، مدت مجازات و ... تا زمانی که اتحادیه رأی بدوی صادر نکرده باشد، خارج از صلاحیت دادگاه های ملی است.

۱۱. نقش دیوان دادگستری اتحادیه اروپایی در اعمال فراسرزمینی مقررات رقابت

در رویه قضایی دیوان اتحادیه اروپایی چند قضیه از سایر قضایا اهمیت بیشتری دارد. این قضایا عبارتند از قضیه *GIS*، *Woodpulp*، *dyestuffs*، قضیه مربوط به *OPEC*. شباهت این قضایا به یکدیگر در استناد به اصول حقوق بین الملل در رابطه با اعمال فراسرزمینی قوانین برخاسته از قضیه لوتوس در دیوان دائمی بین المللی دادگستری و اشاره به قلمرو ماده ۸۵ (۱۰۱ و ۱۰۲ فعلی) معاهده جوامع اروپایی و اشاره به دکترین اثر است. در بقیه قضایا مستشار و دیوان از مناظر مختلف به نوعی آرای پیشین را بسط داده و اصول قبلی مندرج در آرا را تکرار کرده اند. (Lorenz, 2013: 52) در رویه قضایی دیوان اتحادیه اروپا،



برخی از پرونده ها از موارد دیگر اهمیت بیشتری دارند. این قضایا عبارتند از قضیه GIS، dlyestuffs، woodpulp و قضیه اوپک. تشابه این پرونده ها با یکدیگر در استناد به اصول حقوق بین الملل در رابطه با اعمال فراسرزمینی قوانین ناشی از پرونده لوتوس در دیوان دایمی بین المللی دادگستری و اشاره داشتن به قلمرو ماده ۸۵ (در حال حاضر ۱۰۱ و ۱۰۲) معاهده جوامع اروپایی و با اشاره به دکترین اثر می باشد. در بقیه موارد مستشار و دادگاه نظرات قبلی را از منظرهای مختلف بسط داده و اصول قبلی مندرج در نظرات را تکرار کرده اند. (Lorenz, 2013: 52)

۱۲. قضیه Dyestuffs

در این پرونده که مربوط به توافق نمودن چندین شرکت خارجی برای تعیین نمودن قیمت مواد اولیه رنگ و عرضه کردن آن در قلمرو اتحادیه اروپا بود، شرکت های خارجی این ادعا را داشتند که اقدام کمیسیون در اعمال جریمه آنها که در کشورهای خارج از صلاحیت جامعه اروپایی ثبت شده اند، از سه دیدگاه مورد انتقاد است: قانون جامعه اروپا و متن ماده ۸۵؛ قوانین داخلی کشورها یا قوانین ملی، قوانین بین المللی. در مورد اول، مشاور به دادگاه یادآوری می کند که متن ماده ۸۵ معاهده جوامع اروپایی تنها به این نکته می پردازد که هرگونه رفتار ضد رقابتی در اتحادیه اروپا ممنوع است و مفاد مواد ۸۵ و ۸۶ اعمال می شود. نظر مشاور درست به نظر می رسد، در این ماده به هیچ وجه به منبع و منشا این رویه و رفتار ضد رقابتی اشاره نشده است.

همچنین با استفاده از رویه های قبلی دادگاه های ملی داخل و خارج از جامعه، مستشار اعلام می دارد که در صورت بروز رفتار ضد رقابتی در خارج از مرزهای جامعه، در صورتی که تأثیر مستقیم و اساسی و فوری بر بازار داخلی اتحادیه داشته باشد. قوانین رقابت جامعه را می توان اعمال کرد. اروپایی برای آن اعمال شد. اگرچه مستشار در قسمتی از نظرات خود به امکان اعمال فراسرزمینی و امکان استناد به دکترین اثر می پردازد، اما جالب است که دادگاه از استناد به دکترین اثر خودداری می کند. دادگاه در رای خود از دکترین موجودیت واحد اقتصادی و رابطه شرکت های تابعه و فرعی استفاده می کند. در رویه قضایی بعدی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا که ارتباط مستقیمی با رویکرد فراسرزمینی دارد، هم مستشار و هم دادگاه سعی در تحلیل این پرونده دارند و با مراجعه به پرونده dyestuffs رویکرد



فراسرزمینی را توجیه می کنند. نظر مشاور در مورد woodpulp به روشن شدن نظر دادگاه در خصوص رویکرد فراسرزمینی کمک می کند. (Lorenz, 2013: 54)

۱۳. قضیه Woodpulp

این پرونده مربوط به توافق نمودن چندین شرکت تولید کننده خمیر کاغذ می باشد، که تاثیرگذاری آن بر قیمت و انحصار عرضه آن در تمام نقاط جهان است. کمیسیون به دلیل تاثیر توافق این شرکت ها با یکدیگر و تاثیر قیمت بر بازار اتحادیه، شرکت های خارجی را جریمه کرد. شرکت های معترض در دادخواست خود به سابقه دیوان در خصوص عدم استفاده از دکترین اثر در جریمه شرکت های خارجی اشاره می کنند. مستشار در بند ۱۲ توضیح می دهد که مستشار در پرونده dyestuffs به دادگاه توصیه کرده است که می تواند از دکترین تأثیر در تصمیم گیری استفاده کند، اما همانطور که گفته شد دادگاه ترجیح می دهد از دکترین تأثیر استفاده نکند و استدلال خود را بر اساس تصمیم نهایی در مورد ایجاد یک رویکرد واحد اقتصادی یکپارچه اعلام نماید. در همین پرونده، پروفیسور گلدمن، یکی از قضات دیوان، به صراحت اعلام کرده بود که سکوت دیوان در قبال یک موضوع، نباید به عنوان مخالفت دیوان با آن تعبیر شود، مگر اینکه خود دیوان در این باره توضیحاتی ارائه کند. (Lorenz, 2013: 54)

مستشار در بند ۵۴ اعلامیه خود به دادگاه به سند پنجاه و پنجمین اجلاس موسسه حقوق بین الملل در نیویورک اشاره می کند. مطابق ماده ۵ این سند، در صورتی که اقدام در خارج از مرزها تأثیر اساسی داشته باشد و مستقیماً و به قصد اثرگذاری انجام شود، کشور می تواند قوانین خود را در خارج از مرزها اعمال کند. بدیهی است که مصوبات مؤسسه حقوق بین الملل قدرت الزام آوری ندارد، اما از آنجایی که اعضای آن از میان نمایندگان نظام های حقوقی مختلف انتخاب می شوند و توافق آنها در یک موضوع می تواند بسیار مهم باشد، این سند می تواند بسیار حائز اهمیت باشد. (Lorenz, 2013: 55)

۱۴. قضیه Apple Inc

بررسی پرونده مزایای مالیاتی ایرلند برای شرکت اپل. اتحادیه اروپا اخیراً جریمه مالیاتی ۱۴/۵ میلیارد دلاری برای اپل صادر کرده است. این زمانی اتفاق افتاد که نتایج بازرسی های کمیسیون نشان داد که ایرلند به مدت ۲۵ سال به اپل کمک های دولتی غیرقانونی ارائه می کرده است. این تصمیم که توسط کمیسیون اتحادیه اروپا اتخاذ شد، بسیار بحث برانگیز بوده است. این کمک غیرقانونی دولتی شامل



معافیت های مالیاتی ویژه و مزیت های نسبی برای اپل و عملیات آن در ۲۵ سال گذشته بوده است. اگرچه اتحادیه صلاحیت رسیدگی به مسائل مالیاتی کشورهای عضو را ندارد، اما مسلم است که اگر این قوانین مالیاتی مزیت های نسبی برای برخی افراد و شرکت ها ایجاد کند، به گونه ای که رقابت سالم اقتصادی و تجاری در اتحادیه اروپا را خدشه دار کند. و به این ترتیب که این مزایا و معافیت های مالیاتی نوعی کمک دولتی به افراد باشد، اتحادیه اروپا این اختیار را دارد که از آسیب به بازار داخلی و رقابت جلوگیری کند. (باقری، فلاح زاده، ۱۳۸۸: ۹) مزیت مالیاتی که در اینجا به آن اشاره می شود، مزیتی است که ایرلند به شرکت اپل اعطا کرده است که باعث شده اپل طی سالیان متمادی نسبت به سایر شرکت های خارجی و داخلی ایرلند مالیات کمتری بپردازد. تحقیقات کمیسیون نشان داد که این معافیت های مالیاتی با هدف از بین بردن خطر از دست دادن هزاران شغل ناشی از تولید و عملیات اپل در ایرلند انجام می شود. در پاسخ، اپل گفت که از نظر آنها مزیت مالیاتی وجود ندارد.

میزان مالیات پرداختی اپل به ایرلند بر اساس تفاهم و توافق بین اپل و ایرلند در مورد میزان و نحوه مالیات اپل به این کشور در سال ۱۹۹۱ بوده است. ادعای کمیسیون این است که اپل باید بین ۴ تا ۵ درصد از مبلغ مالیات را پرداخت می کرد. سود حاصل از فروش محصولات آن در حالی است که مالیات پرداختی حدود ۱ درصد از کل سود حاصل از فروش محصولات و خدمات بوده است. بخشی از تولید اپل در چین انجام می شود. کار مونتاژ به ارزش محصول می افزایشد. این کمیسیون ادعا می کند که از آن ارزش افزوده در کل فروش مالیات دریافت می کند. در اینجا وزارت خزانه داری ایالات متحده به اقدام اتحادیه که اتحادیه مانند یک سازمان مالیاتی فراملی عمل می کند، واکنش نشان داد. (باقری، فلاح زاده، ۱۳۸۸: ۹) هر چند سال ها طول می کشد تا ایرلند در دادگاه شکایت کند و نتیجه را اعلام کند، اما آنچه مسلم است موضع برتر کمیسیون در این زمینه است. ایرلند یکی از اعضای اتحادیه است. اپل همچنین به دلیل قوانین مالیاتی سنگین، بیشتر فعالیت های خود را به کشورهای خارج از ایالات متحده منتقل کرده است. هم ایرلند به دلیل مزایایی مانند اشتغال، درآمد از مالیات و عوارض و ... به وجود اپل نیاز دارد و هم اروپا محل مناسبی برای فعالیت اپل است. از یک طرف ایرلند باید مالیات را از اپل دریافت کند و از طرف دیگر اپل نمی خواهد چنین رقم سنگینی بپردازد و اگر این کار را نکند تجارت با اتحادیه در آینده دشوار خواهد بود. (باقری، فلاح زاده، ۱۳۸۸: ۹)



قضیه شرکت واردات بلژیک

دیدگاه " دیوان دادگستری اروپایی " نسبت به دکترین آثار برای اولین بار در پرونده "شرکت واردات بلژیک" در سال ۱۹۶۴ آشکار شد. در پرونده ای که دو شرکت ژاپنی و فرانسوی حقوق رقابت جامعه اروپایی را در خارج از کشور نقض کردند. جامعه اروپا، "کمیسیون اروپایی" بر این باور بود که قلمرو سرزمینی حقوق رقابت محدود به "محل اقامت شرکت" یا "محل توافقنامه" محدود نیست، و رسیدگی به اقدامات بازارشکن شرکت های تحت صلاحیت اتحادیه اروپا در خارج از اتحادیه نیز در صلاحیت آن اتحادیه است. (ضیایی، ۱۳۹۱: ۱۸۲)

در این رابطه، شاید بتوان گفت که صلاحیت دیوان در «پرونده بلژیک» را می توان با توجه به اصل «صلاحیت شخصی فعال» توجیه کرد، اما از آنجا که اصل صلاحیت شخصی فعال در حقوق بین الملل عموماً ارجاع داده می شود. به اشخاص حقیقی و در مورد اشخاص حقوقی غیر متعارف تلقی می شود، لذا باید گفت که دیوان عدالت اروپا عملاً دکترین اثر را در این مورد پذیرفته و اعمال کرده است. (ضیایی، ۱۳۹۱: ۱۸۲)

۱۵. قضیه امریکن بنانا تا آلكوا

در ابتدای قرن بیستم، دادگاه های ایالات متحده تمایلی به گسترش صلاحیت قانونی و قضایی خود در خارج از مرزها نداشتند و دادگاه ها تفسیر محدودی از اعمال فراسرزمینی قوانین و صلاحیت خود ارائه می کردند. تلاش اولیه برای اعمال فراسرزمینی قوانین ملی در پرونده «American banana» انجام شد. در این مورد، حدود واقعی صلاحیت آمریکا بر فعالیت شرکت های خارجی در خارج از کشور مورد بررسی قرار گرفت و صلاحیت آمریکا بر این شرکت ها به طور کلی مردود شد. این رویکرد محدود به صلاحیت سرزمینی در سال ۱۹۰۹ به "دکترین American banana" معروف شد و رویه قضایی آمریکا پس از این پرونده مبتنی بر این نظریه بود که "قوانین آمریکا در مورد اقدامات خارج از ایالات متحده اعمال می شود، حتی اگر بر تجارت آن تأثیر بگذارد. برای موثر بودن، قابل اجرا نیست. (ضیایی، ۱۳۹۱: ۷۷)

با توجه به توسعه روابط اقتصادی آمریکا پس از جنگ جهانی اول و دوم، رویکرد دادگاه های این کشور نیز تغییر کرد، به گونه ای که قاضی هلمز که صلاحیت فراسرزمینی پرونده «موز آمریکایی» را نپذیرفت،



در پرونده « استراس‌هایم علیه دیلی » ضمن تأیید صلاحیت فراسرزمینی چنین حکم می‌دهد: « اقداماتی که در خارج از حوزه قضایی کشور برای خلق آثاری در کشور دیگر برنامه‌ریزی و انجام می‌شود و عملاً آثار زیان‌باری در کشور ایجاد می‌کند، به‌گونه‌ای است که مرتکب در داخل کشور حضور داشته است. بنابراین در صورت دستگیری مرتکب، دولت زیان دیده مجاز به اعمال صلاحیت و مجازات عامل خسارت خواهد بود. (Born, 2017:22).

یکی دیگر از موضوعات ضد انحصار بین‌المللی که پس از تصمیم امریکن بنانا در دادگاه عالی ایالات متحده در سال ۱۹۱۱ مطرح شد، موضوع « امریکن توباکو » است. در این مورد، پنج شرکت آمریکایی و دو شرکت انگلیسی تلاش کرده بودند تا کارتلی در زمینه تولید تنباکو تشکیل دهند. (Ryngaret, 192). دادگاه ایالات متحده موضوع را مشمول قانون شرمن دانست و بر اساس «دکترین مشارکت»، صلاحیت خود را نه تنها در مورد شرکت‌های آمریکایی، بلکه در مورد شرکت‌های خارجی که با شرکت‌های آمریکایی در تباری به توافق رسیده بودند، اعمال کرد. (Ryngaret, 2018: 194)

با صدور این رای، نظریه جدیدی به نام « دکترین تنباکوی آمریکایی » طرح گردید که بر اساس آن، صلاحیت قضایی آمریکا در مورد افراد خارجی در صورتی که با همدستان اصلی که تابعیت آمریکا را دارند، اعمال شود. و تابع صلاحیت سرزمینی آن کشور هستند. برای شرکت در تباری علیه آمریکا در چنین شرایطی، تباری و توطئه در آمریکا فرض می‌شود.

۱۶. قضیه شرکت سیسال

ماجرای «شرکت سیسال»^۱ است که با ایجاد کارتل توانست انحصار کامل امور بازرگانی الیاف را در حوزه داخلی و خارجی و همچنین واردات این محصول به آمریکا را در انحصار خود درآورد و با افزایش قیمت، سود قابل توجهی به دست آورد. دولت ایالات متحده خواستار انحلال این کارتل در دادگاه‌های این کشور شد. دادگاه بدوی با این استدلال که نتیجه تصمیم امریکن بنانا بر این پرونده نیز حاکم است، شکایت را نپذیرفت. (Hartley, 2015: 814) اما قاضی دیوان عالی کشور مک رینولدز^۲ در مرحله تجدیدنظر این پرونده با این استدلال که شرایط این اختلاف اساساً با وضعیت پرونده « امریکا

^۱ - Sisal Sales Corporation

^۲ - Justice McReynolds



بنانا « تفاوت دارد، اعلام کرد که در این پرونده با تبانی مواجه هستیم. قراردادی که توسط طرفین در آمریکا منعقد شده و نتایج آن در آمریکا ممنوع و غیرقانونی بوده و با این استدلال، رأی دادگاه بدوی را نقض کرده است. (Hartley, 2015: 816) در این پرونده، دادگاه بر اساس «دکترین مشارکت»، صلاحیت قانونی و قضایی ایالات متحده را علاوه بر اتباع این کشور، در مورد افراد خارجی (مکزیک) شرکت کننده در تبانی علیه ایالات متحده نیز اعمال کرد. (Hartley, 2015: 195)

اوپک برای اطمینان از کسب منافع اعضای خود جلساتی سالانه در سطح وزرا و کارشناسان برگزار می کند و در مورد میزان تولید و عرضه نفت تصمیم گیری می کند. بدون شک چنین اقدامی خواه ناخواه قیمت نفت در بازار جهانی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. به عنوان مثال هر جا بهای نفت کاهش می یابد، میزان تولید اعضا نیز کاهش می یابد تا بهای آن افزایش یابد. ناگفته نماند که چنین اقدامی نقض مقررات حقوق رقابت است. اقدامات اوپک شامل ایجاد رویه های هماهنگ و مشترک برای تولید، عرضه و قیمت گذاری کالاها، ایجاد موقعیت بالادستی در بازار فروش نفت که به نفع اعضای آن است (Hartley, 2015: 195)، ایجاد محدودیت در عرضه، دستکاری قیمت نفت از طریق محدود کردن تولید و عرضه و سوء استفاده از موقعیت در بازار نفت، احتمالاً نقض مقررات رقابت با ایجاد کارتل در سطح بسیار بزرگ است. با وجود این ویژگی ها، نه اتحادیه اروپا و نه ایالات متحده به عنوان دو نمونه از کشورهایی که دارای مقررات سختگیرانه رقابتی و ضدانحصاری هستند و سابقه اقدامات فراسرزمینی مکرر دارند، اقدامی علیه این سازمان انجام نداده اند. به گفته ماریو مونتینی، کمیسر سابق رقابت اتحادیه اروپا، مقررات رقابت اتحادیه اروپا را نمی توان در مورد اوپک اعمال کرد، زیرا اوپک متشکل از چندین دولت است و یک بنگاه اقتصادی نیست. دولت کشوری که سیاست های کلان خود را در بخش های مختلف اقتصادی اعمال می کند، نمی تواند یک بنگاه اقتصادی محسوب شود، زیرا اگر برعکس فرض شود و دولت یک بنگاه اقتصادی تلقی شود، می توان سیاست هایی را در نظر گرفت که یک کشور واکنش نشان داد که در این صورت کمیسیون می تواند در هر زمینه ای در امور داخلی کشورها دخالت کند. این حادثه ناقض اصول مقررات بین المللی و نقض حاکمیت دولت ها است. از سوی دیگر، در پرونده Montecatini، خود دیوان به این موضوع اشاره نمی کند که آیا اوپک قوانین رقابت را نقض کرده است یا خیر و یا اینکه چگونه می توان قوانین رقابت را در مورد آن اعمال کرد. این پرونده مربوط به دعوی



قضایی است که در آن چندین شرکت تولید کننده مواد پلی پروپیلن به نقض مقررات رقابتی و ایجاد قیمت ثابت برای این محصول متهم شده اند. کمیسیون به جریمه آنها رای داد، اما این شرکت‌ها در دادگاه استدلال کردند که این تعیین قیمت ناشی از دستکاری قیمت و نوسانات قیمت نفت توسط اوپک است. از سوی دیگر، اوپک یک سازمان دولتی است که در جلسات آن وزرای کشورهای عضو حضور دارند. نه تنها مصونیت نهادها و افراد دیپلماتیک در این موضوع مطرح شده است، بلکه صلاحیت کمیسیون جریمه و محکومیت دیپلمات‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مورد تردید است. بر فرض اینکه کمیسیون صلاحیت جریمه و طرح دعوی علیه سازمان‌های دولتی را دارد، مشکل دیگر عدم صلاحیت کیفری برای مجازات افراد حقیقی می‌باشد. واگذاری این اختیار از طریق بخشنامه به کشورهای عضو به هیچ وجه برای مجازات دولت، سازمان بین‌المللی و وزرای کشورهای مختلف امکان‌پذیر نیست. اما واقعیت فراتر از مبانی قانونی است. واقعیت این است که اروپا به نفت اوپک نیاز دارد. همسایگی اروپا با قاره آسیا و کشورهای عضو چون عراق، ایران، کویت، قطر و عربستان سعودی که می‌تواند با کمترین هزینه و مسیر نفت و گاز را به اروپا برساند، اروپا را به یکی از خریداران اصلی نفت تبدیل کرده و خرید نفت با هزینه کمتر برای اروپا مفیدتر است. به نظر می‌رسد نکته اصلی عدم اعمال مقررات رقابت در مورد اوپک و کشورهای عضو آن، منافع این اتحادیه باشد. منافع سیاسی و اقتصادی که در بسیاری از موارد بر اصول حقوقی ترجیح داده می‌شود. (باقری، فلأحزاده، ۱۳۸۸: ۶۸)

نتیجه‌گیری

اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر بزرگ اقتصادی در جهان با شخصیتی مستقل از اعضای خود عمل می‌کند و البته به منظور تنظیم روابط خود با کشورهای عضو و حفظ منافع اعضای خود، قوانین و مقررات رقابت را تنظیم و تدوین کرده است. بر اساس رویکردهای حقوقی آن این اتحادیه بارها تلاش کرده است تا مقررات خود را در مورد رفتارهای ضد رقابتی که عنصر خارجی در آن نقش بسزایی داشته است، اعمال کند. رویه‌ای که اتحادیه طی سال‌های گذشته در پرونده‌های فرامرزی مرتبط با رفتارهای ضد رقابتی در پیش گرفته است، در این مسیر بوده است تا بتواند اصل عمل متقابل را متعادل کند و از نقض مقررات رقابت و لطمه زدن به رقابت در بازار داخلی جلوگیری کند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا قطعاً تنها از دکتترین اثر استفاده نکرده است. وقتی صحبت از منافع می‌شود، باید



به طور خودکار به رویکرد تعادل توجه کرد که شامل بررسی جنبه هایی برای یافتن بخشی از رفتار و نتیجه آن است که با منافع اتحادیه مرتبط است. این رویکرد علاوه بر اعمال فراسرزمینی مقررات رقابتی اتحادیه، در عدم اعمال آن در صورت رفتار ضدرقابتی نیز نقش دارد. اهمیت صلاحیت یک دولت به حدی است که برخی آن را ملکیت تشخیص استقلال حکومت دانسته اند. به عنوان یک قاعده سنتی، هر دولتی صلاحیت رسیدگی به همه مسائل در قلمرو خود را دارد. اما با عبور آسان افراد و کالاها از مرزهای ملی، میل کشورها جهت گسترش حوزه قضایی خود به بیرون از مرزهای بین المللی افزایش یافت. موافقان و مخالفان صلاحیت فراسرزمینی دلایل نظری جالبی دارند که با عنوان «حقوق بین المللی صلاحیت» قابل بررسی است. به نظر هسته استدلال طرفداران صلاحیت فراسرزمینی، ضرورت ناشی از حیات بین المللی موجود است؛ بنابراین، اگر شرایط حاکم بر حقوق بین الملل معاصر به نفع همگرایی بیشتر جوامع بین المللی تغییر کند، شاید پذیرفتن مشروع بودن صلاحیت فراسرزمینی بی ربط باشد. لکن مخالفان صلاحیت فراسرزمینی بر این باورند که پذیرش این صلاحیت، حتی به طور موقت، مانعی بر سر راه توسعه حقوق بین الملل است. بنابراین دوره فلسفی موجود در مشروعیت صلاحیت فراسرزمینی مانع از اتخاذ موضعی خاص توسط حقوق بین الملل مربوطه شده است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۴). اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون. تهران: انتشارات سروش
- باقری، محمود، و فلاحزاده، علی محمد. (۱۳۸۸). مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات حقوق خصوصی، (۳)، ۶۳-۸۱
- رشوند بوکانی، مهدی. (۱۳۹۶). حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)
- سماواتی، حشمت الله. (۱۳۹۷). مقدمه ای بر حقوق رقابت تجارتي و نقش آن در سیاست گذاری و تنظیم بازار. تهران: انتشارات فردوسی
- ضیایی، سید یاسر. (۱۳۹۱). صلاحیت فراسرزمینی در حقوق بین الملل سرمایه گذاری رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی
- غفاری فارسانی، بهنام. (۱۳۹۱). ضمانت اجرای مدنی نقض قواعد حقوق رقابت (رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران).
- کدخدایی، عباسعلی. (۱۳۹۵). ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی. تهران: انتشارات میزان



الیوت، جان ای. (۱۳۸۶). نهادگرایی به عنوان رهیافتی به اقتصاد سیاسی (ترجمه آرش اسلامی و علی نصیری اقدام). اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه، (۵)، ۶۳-۹۲.

- Born, G. B. (2017). *A reappraisal of the extraterritorial reach of U.S. law*.
- Borchard, E. (1942). Extraterritorial confiscations. *American Journal of International Law*, 36(2), 275-288.
- Backer, L. Catá. (2014). Multinational corporations as objects and sources of transnational regulation. *ILSA Journal of International & Comparative Law*, 14(2), 499-523.
- Frazer, T. (1990). Competition policy after 1992: The next stop. *The Modern Law Review*, 53, 610-625.
- Frenz, W. (2016). *Handbook of EU Competition Law*. Springer.
- Hartley, T. C. (2015). *International Commercial Litigation: Text, Cases and Materials on Private International Law* (2nd ed.). Cambridge University Press.
- Knox, J. H. (2010). A presumption against extrajurisdictionality. *American Journal of International Law*, 104(3), 351-390.
- Lorenz, M. (2013). *An Introduction to European Union Competition Law*. Cambridge University Press.
- Norton, J. J. (1979). Extraterritorial jurisdiction of U.S. antitrust and securities. *International and Comparative Law Quarterly*, 28(4), 575-598.
- Reparations for Injuries Suffered in the Service of the United Nations* (Advisory Opinion). (2016). *ICJ Reports*, 174.
- Ryngaert, C. (2018). *Jurisdiction in International Law*. Oxford University Press.
- Schütze, R. (2012). *An Introduction to European Union Law*. Cambridge University Press.
- Scott, J. (2014). Extraterritoriality and territorial extension in EU law. *American Journal of Comparative Law*, 62, 87-126.
- The Commission of the European Communities. (2018). *The Ninth Report on Competition Policy*. Brussels: Commission of the European Communities.
- Weatherill, S. (2016). *EU Law: Cases, Texts, and Materials*. Oxford University Press.
- Zelger, B. (2020). EU competition law and extraterritorial jurisdiction: A critical analysis of the ECJ's judgment in *Intel*. *European Competition Journal*, 16(2-3), 613-627.
- Zerk, J. A. (2010). *Extraterritorial Jurisdiction: Lessons for the Business and Human Rights Sphere from Six Regulatory Areas* (Working Paper No. 59). Harvard Corporate Social Responsibility Initiative.